

به استقبال اول ماه مه ۱۴۰۱ بشتابیم! (بخش اول)

امیر جواهری لنگرودی



اول ماه مه سال ۱۴۰۱ در راه است!

رهانده‌ی برتری در کار نیست،
نه آسمان، نه قیصر، نه خطیب.
خود به رهایی خویش برخیزیم، ای تولیدگران!
رستگاری مشترک را بر پا داریم!
تا راهزن، آنچه را که ربوده رها کند،
تا روح از بند رهایی یابد،
خود به کوره‌ی خویش بر دمیم
و آهن را گرما گرم بکوبیم...

بخشی از سرود «بین الملل کارگران» ترجمه‌ی احمد شاملو

به فرمان «حضرت آقا!» در جهشی یکساله از ۱۴۰۰ یعنی سال «تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها»
به ۱۴۰۱ یعنی سال «تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین» پرت شدیم.

از قدیم هم گفته‌اند: «حرف مفت و گنجشک مفت» حرف بی حساب که مالیات بر نمی‌دارد. در تاریخ
خانه‌ی اشباحات بنشیننی و با رمل و اسطرلاب، برای همسرنوشتی مردمان جامعه‌ات طاس اندازی،
آنچه که آمد، می‌شود طالع مردم و در این میان خشک و تر با هم می‌سوزند!

حاصل جمع این پرت شدن هر ساله، از سالی به سال دیگر و از سرنخ تولیدی به تولید دیگر، سقوط
آزاد همه‌ی نیروی رنج و کار جامعه، در دره‌ی درهم تنیده و فلاکت آفریده شده‌ی حکومتگرانی است
که جامعه‌مان را از هستی‌اش تهی کرده و فقر را بر آن حاکم کرده‌اند.

خزان و زمستان را پشت سر گذاشتیم. محمدرضا شفیعی کدکنی، شاعر درد آشنای ما، در همسرایی خزان و رویش بهار چه نیکو گفته است:

ای خزان‌های خزنده در عروق سبز باغ
کاین چنین سرسیزی ما پایکوبان شماست

از تبار دیگریم و از بهار دیگریم
می‌شویم آغاز از آن جایی که پایان شماست!

پایان شماها، پیش روی ما است. نیک گفته‌اند: پایان شب سیه سپید است. نوروزمان را با ده‌ها و صدها آزادی‌خواه زندانی در جای جای کشور دل به دریا داده‌ایم و در غیاب آنان به نوای یاد آنان از جمله: زینب جلالیان، سپیده قلیان، اسماعیل عبدی، آرش گنجی، خسروصادقی بروجنی، اسماعیل گرامی، هاشم خواستار، محمدتقی فلاحی و ده‌ها معلم آزادی‌خواه دیگر.... که در زندانند، سرکرده‌ایم!

با این همه دلشوره و دل‌تنگی، نوروز فرخنده را با سخت جانی سرکردیم. وعده‌ی یکساله‌ی «مانع زدایی»‌های رهبر سرآمده و جامعه با پیام پامنقلی دیگر «رهبر» به سال «دانش بنیان» پرتاب می‌گردد. در عوض جنبش مطالباتی ما به سوی اول ماه مه، روز جهانی همبستگی کارگران جهان در اردیبهشت امسال پیش می‌رود!

در فاصله‌ی یکسال و در برابر زندان بودن پُرشماری از کنشگران زن و مرد، در مدت زمان کوتاه‌پاگیری تحرکات پُرثمر فرهنگیان کشور، آتش به‌اختیاران دستگاه امنیت حاکمیت اسلامی، ده‌ها برگ احضاریه برای بخش‌های فعال فرهنگیان کشور در جای جای جغرافیای ایران، صادر کرده‌اند.

برای ما روشن است که از امروز در برابر یکایک این احضارها، و برای ملغی کردن آن احضاریه‌های بی بنیاد - همانگونه که در اهواز، لرستان و شمال ایران (شهررودسر) شاهد بودیم، صف‌های طویل اعتراض گشوده خواهد شد و بر همین بستر در آستانه‌ی اول ماه مه، اعتراض عظیم و یکپارچه‌ی اردوی کار با شعار: «زندانی سیاسی - عقیدتی، بی قید و بی وثیقه، آزاد باید گردد» به مرکزی‌ترین شعار جامعه بدل خواهد شد. هیچ فعال اجتماعی تردید به خود راه نمی‌دهد که حکومت امروز با هر سطح از شعارهای دهن پرکن به مثابه «تولید، اشتغال آفرینی» در مقابل سیاست تحریم امپریالیستی و فشار سرمایه‌ی جهانی، نه با تولید داخلی بلکه با گشودن افسار واردات بی‌رویه، راه به ترکستان می‌برد و شعارها و نام‌گذاری‌هایش تنها برای خودارضایی کیش شخصیت مشت‌ی مزدور هوادارش بر زبان جاری می‌گردد و هیچ کارکرد اجرایی نداشته و ندارد. از این‌رو مردم از امروز همچون گذشته، به‌سان فروریختن دیواره‌ی بلند دیکتاتوری آماسیده‌ی پهلوی‌ها، برآند موج سرکوب و وحشیگری حاکمیت اسلامی نیز محکوم به شکست است و رژیم را بیش از پیش شکننده‌تر خواهد کرد.

هرچه به اول ماه مه (پازدهم اردیبهشت) روز همبستگی جهانی کارگران نزدیک‌تر می‌شویم، نیاز به اتحاد و همگرایی فراگیر نیروهای جنبش کارگری و مطالباتی و پیوندشان در راستای پاسخگویی به الزامات جنبش کارگری وتوده‌ای، برای شکستن این چرخه‌ی معیوب، بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود.

امروز نیاز به اتحاد و همگرایی و همپوشانی و همبستگی، در بطن رنسانس عظیم فکری موجود، درون جامعه‌ی ما که با تحرکات میدانی یک سال گذشته در عرصه‌های گوناگون مصاف طبقاتی به نمایش درآمد، بیشتر هویدا می‌شود. گستردگی و کمیت اعتراضات طبقاتی کارگران و زحمتکشان در سال گذشته، در تاریخ اعتراضات کم سابقه بوده است؛ از جمله: تداوم تحرکات کارگران نیشکر هفت تپه، تحرکات خط عظیم ترابری تهران بزرگ در نمایش پر قدرت اعتراضات فعالان عضو سندیکای شرکت واحد، تحرکات پُرشمار فعل و انفعالات فرهنگیان و حضور برجسته‌ی زنان در هشت مارس

امسال، تحرکات کارگران و کولبران و فراهم سازی بستری توده‌ای برای جشن‌های چهارشنبه سوری و نوروز امسال در جای جای خطه کردستان، اعتراضات به خون غلطیده مردم آسیب پذیر خوزستان، اعتراضات طولانی مدت کارگران عظیم پیمانی نفت، گاز و پتروشیمی در برابر پیمانکاران، تحرکات سریالی بازنشستگان، تظاهرات شبانه روزی کشاورزان اصفهانی در بستر رودخانه‌ی زاینده رود، اعتراضات پرشکوه سراسری فرهنگیان در بیش از دویست نقطه‌ی کشور در خیابان، اعتراضات مال باختگان، اعتراضات سراسری پرستاران و بهیاران، اعتراضات سریالی کارگران شهرداری‌های نقاط گوناگون کشور در برابر پیمانکاران افسارگسیخته، اعتراضات کارگران فولاد، معدن کاران و اعتراضات روزنامه نگاران و خبرنگاران مستقل، وکلای مستقل، خیل عظیم معلولان جنگی، انبوه میلیونی روستائیان بدون زمین و آب، توده‌ی میلیونی بی خانمانان و حاشیه نشینان، انبوه پُر شمار کولبران زحمتکش در خطه مرزی کردستان پهناور و سوخت بران زحمتکش در خطه مرزی سیستان و بلوچستان و... ده‌ها حرکت اعتراضی دیگر که همه‌ی نیروهای انقلابی را بر آن می‌دارد که بسیار جدی‌تر از گذشته در شرایطی که مردم رنج‌دیده‌ی کشورمان، خود را برای سنگربندی جدید آماده می‌کنند، در راستای نزدیکی به هم و با درک ضرورت اتحاد، گام بردارند و به نقطه‌ی اصلی نقیصه همه‌ی این اعتراضات، یعنی پراکندگی صفوف، پایان بخشند و یگانه گردند.

بره‌ی مبارزان مطالبه‌گر در خیابان و میدان آشکار و مبرهن است که خیل وسیع اعتراضات سال ۱۴۰۰ که تا این‌جای کار پیش برده شد، مبارزه‌ی نیست که هر نیروی مطالبه‌گر خیابانی، خود را یگانه نیروی آن تعریف نماید و بر آن باشد که برای غلبه بر دشواری‌های موجود و مانع‌تراشی حکومت، خود به تنهایی، بی نیاز از همراهی و همصدایی با دیگران برای رسیدن به اهدافش موفق شود!

امروز همچون دیروز، همه‌ی نیروهای مطالبه‌محور باید این واقعیت تاریخی را دریابند: اگر فعالان ما در زندانند. اگر کنشگران خیابانی ما احضار می‌شوند، اگر همسان‌سازی برای سطوح مختلف نیروهای اجتماعی خواست مشترکی است و اگر امر بالا بردن دستمزد بر پایه‌ی نرخ تورم نقطه به نقطه و گرانی سبدمعیش زندگی، دشواری امنیت شغلی، بازگشت بر سرکار کارگران اخراجی، خواست‌های اساسی و مشترک همه‌ی مزد و حقوق بگیران جامعه‌ی هشتاد و پنج میلیونی ما است، لذا پاسخگویی به همه‌ی این مطالبات یا همه‌ی این دردهای مشترک، هرگز جدا جدا درمان نمی‌شود! و دست یابی به این همه‌ی مطالبات مشترک، بدون رزم مشترک، ممکن نیست!

اول ماه مه، روز جهانی همبستگی کارگران، فرصتی است که می‌توان با تمام توان کوشید تا به این نیاز و ضرورت و فریاد وحدت طلبانه‌ی توده‌های مردم، در عمل اجتماعی پاسخ در خور داد. امروز مهم این است که ما خانواده‌ی بزرگ مطالبه‌گر در دل جنبش مطالباتی، تنها به طرح و نقشه‌ی خود اکتفا نکرده و انحصار طلبی پیشه نکنیم. تا حد زیادی به میزان تلاش و نگاه به کف اتحاد عمل‌هایمان ببیندیشیم و مبارزه‌ی مردم کشورمان را رها نسازیم و آن را به دست غیب نسپاریم؛ به عبارتی وظیفه‌مان را فراموش نکنیم. زنان و مردان بازنشسته، معلم شاغل و غیر استخدامی، پرستار و بهیار، کارگر، روزنامه نگار و نویسنده، کودک کار و خیابانی، دست فروش و همه و همه در پیکره‌ی واحدی هم صدا شوند و صف مشترک و مستقل خود را از همین امروز سازمان دهند.

آزادی و دموکراسی را در هیچ جای دنیا به مردم هدیه نمی‌کنند. تجربه‌ی تمام انقلابات و تحولات بشری تا به امروز نشان داده است که برای تحقق دموکراسی و دست‌یابی به آن، باید جنگید و مبارزه کرد!

این جنگ، باید جنگ همه‌ی نیروهای مطالبه‌گر و مردم آزاده‌ای باشد که برای دست‌یابی و استقرار دموکراسی و راه یابی به آزادی و حق حاکمیت مردم بر مردم، سازمان یافته و متشکل، مبارزه‌ی آنان را باور دارند و تمامیت قدرت از ما بهتران را به هیچ انگاشته و باور نداشته باشند؛ بلکه برعکس باید

بدون هر سطح سازشکاری، و چشم داشتن به غیب، چشم فرو بندند و برای درهم شکستن همه‌ی دستگاه‌های سرکوب نظام جمهوری اسلامی به اتحاد عمل و یگانگی نیروی خویش باور پیدا کنند. نباید تردید داشت که دموکراسی موهبتی الهی نیست که طی یک روز آفتابی آن را برسینی گذارند و به ما هدیه کنند، بلکه امری زمینی و دست یافتنی است و برای وصول و تحقق آن باید با دشمنان آزادی و دموکراسی جنگید و به این جنگ باور داشت. نباید به وعده‌های توخالی، نه به نیروی آسمانی، دل بست و نه به قیصر و نه به خطیب باور داشت؛ باید خود به رهایی خویش بیاندیشیم و برخیزیم. راه رستگاری مشترک ما در همگرایی و پیوند عمیقیست که در دل مبارزه‌ی ما حول دستیابی به خواسته‌های مشترکمان خود را تعریف می‌کند. همه‌ی ما باید خود بر کوره‌ی هم بردمیم و آهن را گرما گرم بکوبیم. از همین امروز و با تمام قدرت متحدان، یکی شویم!

ادامه دارد